

باسمه تعالی

طرح صلاهی مودت با محوریت مباحث خانواده

مقدمه:

یکی از اهداف تشکیل خانواده، تأمین نیازهای معنوی و عاطفی انسان و در ضمن آن کسب آرامش روح و روان فرد است، که جهت دستیابی به این اهداف باید مقدماتی را فراهم کرد. در این راستا می توان از خانواده به عنوان کانون تربیت یاد نمود؛ که صلاح آن موجب نیکبختی و سعادت، و فساد آن سبب انحراف و تباهی جامعه‌ی انسانی خواهد بود.

یکی از گام‌های نخست در راه تحکیم بنیان خانواده، شناخت اجتماع بشری است. در صورت اعمال صحیح کارکردها در خانواده، اهداف مهم تشکیل آن محقق می‌شود و در راستای تعالی و سعادت جامعه، گام مهمی برداشته خواهد شد.

با استفاده از آیات، روایات و سخنان بزرگان، مطالب مورد بحث در سه محور «تشکیل خانواده»، «تحکیم خانواده» و «آسیب‌ها و عوامل فروپاشی خانواده» قابل ارائه می باشد.

به حول و قوه الهی مطالب محور اول یعنی «تشکیل خانواده»، در سه فصل طی ۱۷ جلسه در کانال معاونت فرهنگی تبلیغی در پیام رسان سروش به نشانی https://sapp.ir/jz_m.f.t و در پیام‌رسان ایتا به نشانی https://sapp.ir/jz_mft به مرور بارگذاری شد. با توجه به اینکه طبق خبر اولیه اعلام شده بنا بود پس از پایان هر مطالب هر محور، مسابقه آنلاین برگزار کنیم بنابراین جهت دسترسی بهتر خواهران به همه مطالب ارائه شده در این محور، جزوه پیش رو آماده شده است.

محور اول:

فصل اول: حکمت و ضرورت تشکیل خانواده

الإمام الرضا عليه السلام : لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْمُنَاكِحَةِ وَالْمُصَاهَرَةِ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ ، وَلَا سُنَّةٌ مُتَّبَعَةٌ ، وَلَا أَثَرٌ مُسْتَفِيزٌ ، لَكَانَ فِيمَا جَعَلَ اللَّهُ مِنَ بَرِّ الْقَرِيبِ ، وَ تَقْرِيبِ الْبَعِيدِ ، وَ تَأْلِيفِ الْقُلُوبِ ، وَ تَشْبِيكِ الْحُقُوقِ ، وَ تَكْثِيرِ الْعَدَدِ ، وَ تَوْفِيرِ الْوَالِدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ وَ حَوَادِثِ الْأُمُورِ ، مَا يَرْغَبُ فِي دُونِهِ الْعَاقِلُ اللَّبِيبُ ، وَيُسَارِعُ إِلَيْهِ الْمُؤَقَّقُ الْمُصِيبُ .

الكافي : ج ۵ ص ۳۷۳ ح ۷

امام رضا علیه السلام: اگر درباره ازدواج و وصلت، آیه ای روشن (از کتاب خدا)، و سنتی پیروی شده (از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم) و اخبار فراوان نبود، بی گمان (آثار و برکاتی چون): نیکی کردن به خویشاوند، و نزدیک ساختن افراد دور (به یکدیگر)، و الفت بخشیدن میان دل ها و درهم تنیدن حقوق، و افزودن بر جمعیت و فرزند برای (رویاری با) سختی های روزگار و پیشامدهای زمانه (که خداوند در ازدواج قرار داده است، خود) کافی بود که خردمند دانا، به این کار رغبت نماید، و انسان ره یافته درست اندیش، به آن بشتابد.

ارزش و اهمیت ازدواج در کلام مقام معظم رهبری حفظه الله

این ازدواجی که خدای متعال، سنت قرار داده و آفرینش هم آن را اقتضا می کند، یکی از نعمت ها و اسرار الهی و یکی از پدیده های اجتناب ناپذیر زندگی بشری است. می شد که خداوند در قوانین آسمانی، این موضوع را لازم، واجب و حتمی و یا مجاز کند و مردم را رها کند تا یکی یکی بروند و با هم ازدواج کنند، اما این کار را نکرده است، بلکه ازدواج را یک ارزش قرار داده است؛ یعنی کسی که ازدواج نمی کند، خود را از این ارزش محروم نموده است.

یکی از حکمت های تشکیل خانواده، "جلوگیری از فساد اخلاقی و اجتماعی" است.

عنه صلى الله عليه و آله : يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ ، مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ ؛ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ ، وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ . وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ ؛ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ .

منبع: کنز العمال : ج ۱۶ ص ۲۷۲ ح ۴۴۴۰۷

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم : ای جوانان! هر یک از شما که توان ازدواج دارد، ازدواج کند؛ زیرا ازدواج کردن، چشم را (از نگاه حرام) بیشتر فرو می پوشاند و دامن را پاک تر می دارد. و هرکس توان (ازدواج) نداشت، روزه بگیرد؛ زیرا روزه، شهوت را فرو می نشاند.

ازدواج سبب دور ماندن از فساد اخلاقی و اجتماعی؛

خداوند متعال در آیه ۱۸۷ سوره بقره فرموده اند: هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ. آنان (زنان) برای شما لباس هستند و شما برای آنان لباس هستید.

تشبیه لباس در آیه شریفه، یک تعبیر حکیمانه ای است که کمال اتصال و وابستگی زن و مرد را مشخص می‌کند. در تشبیه فوق زن و شوهر به منزله لباس یکدیگر معرفی شده اند. در این تشبیه خصوصیتی در لباس و کارکردهای آن است که باید این خصوصیات در رابطه زناشویی متبلور شود. همانگونه که لباس انسان را در برابر سرما و گرما حفظ می‌کند، زن و شوهر نیز یکدیگر را از آسیب‌ها، خطرات جنسی و مفساد اجتماعی حفظ می‌کنند. لباس عیوب انسان را می‌پوشاند، زن و شوهر هم عیوب یکدیگر را می‌پوشانند. و از طرفی، لباس برای انسان زینت است، زن و شوهر هم مایه آراستگی و زینت یکدیگرند.

آنچه زن و مرد را از فساد اخلاقی و گرفتار شدن به منجلاب فحشاء باز می‌دارد، برقراری رابطه ی زناشویی در سایه ازدواج است. ازدواج بازار روابط نامشروع و زنا را کساد کرده و پیامدهای جنایت آمیز و کینه های حاصل از آن را کم می‌کند. تشکیل خانواده، کمک فراوانی به حفظ اخلاق انسان و نگهداری او از انحرافات اخلاقی و اجتماعی می‌شود. ازدواج هم حافظ اخلاق فردی و هم حافظ اخلاق اجتماعی است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث زیر ازدواج را مهمترین عامل یأس و ناامیدی شیطان در فریب انسان معرفی کرده اند: مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حِدَاثَةِ سِنِّهِ أَلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ: یا ویله یا ویله، عَصَمَ مِنْ ثَلَاثِ دِينِهِ. فليَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثَّلَاثِ الاخر.

من لايحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۱

هیچ جوانی نیست که در جوانی اش ازدواج کند مگر آن که شیطان فریاد برآورد: ای وای بر من! ای وای بر من! دو سوم دینش را از (گزند) من نگه داشت. بنابراین بنده باید تنها در یک سوم دیگر (دینش) تقوای خدا پیشه کند.

حجت الاسلام و المسلمین قرائتی تفسیر این آیه را در کتاب تفسیر نور اینگونه بیان می‌کنند:

قرآن کریم رابطه زن و شوهر را به لباس تشبیه کرده است، در این تشبیه برای فلسفه و ضرورت ازدواج و انتخاب همسر و زندگی نکات و لطایف بسیاری نهفته است. لباس سومین نیاز بشر است. اولین نیاز بشر، اکسیژن و دومین نیاز بشر، غذاست و همسر نیز چون لباس، سومین نیاز بشر بشمار می‌رود، به همین دلیل همسر بعد از اکسیژن و غذا بیشترین نیاز است.

ملاک همسران مدل و جنس لباس باید مناسب انسان باشد، همسر نیز باید متناسب با فکر، فرهنگ و شخصیت انسان باشد.

لباس انسان را از خطر حفظ می‌کند. وجود همسر نیز کانون خانواده را از آسیب‌ها حفظ می‌کند، زن و مرد، باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی طرف مقابل تنظیم کنند، نیاز زن و مرد به یکدیگر دو طرفه است و هر یک برای رفع نیازهای خود به دیگری نیاز دارند. در تشبیه همسر به لباس، نکات و لطایف بسیاری نهفته است:

لباس باید در طرح و رنگ و جنس مناسب انسان باشد، همسر نیز باید کفو انسان و متناسب با فکر و فرهنگ و شخصیت انسان باشد.

لباس مایه‌ی زینت و آرامش است، همسر و فرزند نیز مایه‌ی زینت و آرامش خانواده‌اند.

لباس عیوب انسان را می‌پوشاند، هریک از زن و مرد نیز باید عیوب و نارسایی‌های یکدیگر را بپوشانند.

لباس انسان را از سرما و گرما حفظ می‌کند، وجود همسر نیز کانون خانواده را گرم و زندگی را از سردی می‌رهاند.

دوری از لباس، مایه‌ی رسوایی است، دوری از ازدواج و همسر نیز گاهی سبب انحراف و رسوایی انسان می‌گردد.

در هوای سرد لباس ضخیم و در هوای گرم لباس نازک استفاده می‌شود، هر یک از دو همسر نیز باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی طرف مقابل تنظیم کند؛ اگر مرد عصبانی است، زن با لطافت با او برخورد کند و اگر زن خسته است، مرد با او مدارا کند.

در امر ازدواج باید تجمل‌گرایی و سنت‌های غلط را کنار گذاشت، برخی از سنت‌های غلط همچون قفل سنگین برای جامعه، تبدیل به یک فرهنگ شده است که مسئله ازدواج را مشکل نموده و سبب کاهش ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج گردیده است.

فصل دوم: موانع تشکیل خانواده

۱. نگرانی از تأمین اقتصاد خانواده

با تحقیق مختصر در جامعه امروز، با مردان زیادی مواجه خواهیم شد که از ترس مخارج ازدواج و همسررداری، از این وظیفه و مسئولیت دینی و اجتماعی خود، سر باز می‌زنند.

به نظر برخی، عمده‌ترین مانع ازدواج جوانان مشکل اقتصادی است. البته این موضوع تنها مربوط به دوران فعلی نیست، بلکه در صدر اسلام نیز بسیاری با این مشکل رو به رو بودند، ولی پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) آن را مانع ازدواج ندانستند.

احادیث زیادی از پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم نیز در این زمینه داریم از جمله آنها این احادیث ذیل می‌باشد:

مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَلَيْسَ مِنَّا . كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ۱۶ ص ۲۷۹

إِلْتَمِسُوا الرِّزْقَ بِالنِّكَاحِ . كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ۱۶ ص ۲۷۶

پیامبر خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم در دو جا می‌فرمایند:

هر که از بیم فقیر شدن ازدواج نکند، از ما نیست.

روزی را با ازدواج کردن بجوید.

عده زیادی از جوانان تحصیل کرده، با نشاط و پر توان در جامعه زندگی می کنند که از سنت ها و عادات و رسوم ملی و قومی، جای سنت ها و دستورات دینی و اسلامی را گرفته است و روز به روز ما را از فرهنگ اصیل اسلامی دورتر می کند. کار، تلاش و کوشش انسان، «شرط لازم» برای جلب روزی است، گرچه «شرط کافی» نیست و علل و عوامل دیگری نیز وابسته است. از جمله این عوامل، فراهم نمودن «زمینه اشتغال» و استفاده از توان و انرژی فراوان آنان است. اگر به جوانان توصیه می کنیم که به کار و تلاش بپردازید و از نیروی دوران جوانی استفاده کنید، به متصدیان جامعه نیز باید توصیه کنیم که زمینه بهره برداری از این نیروی جوانان را فراهم آورند. قرآن کریم به این نکته اهمیت داده و این نگرانی را از ذهن زدوده است:

وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ سورة نور آیه ۳۲

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند از فضل خود بی نیاز می سازد. در این آیه خداوند وعده داده است که «زوج های فقیر» را از فقر نجات خواهد داد. در واقع به آنان توصیه نموده است که شما به جای آن که به «فقر و نداری خود» توجه کنید و از ازدواج دست بشوید، به «فضل و دارایی خداوند» بیندیشید و به سوی ازدواج حرکت کنید و بدانید که فقر وعده شیطانی است.

این آیه وعده قطعی خداوند برای تأمین هزینه های ضروری ازدواج است. خداوند تأکید می فرماید: تنگ دستان را از فضل خویش روزی خواهد داد و تمکن لازم برای ازدواج آنان را تأمین خواهد کرد. به بخشش فزون تر و بیشتر از حد، «فضل» می گویند که بر اساس لطف است و اعطا کننده، بدون داشتن وظیفه یا استحقاق قبلی طرف مقابل، به او می بخشد. (۲) پس قرار نیست در خصوص ازدواج، خداوند بر اساس حساب و کتاب های عادی و استحقاق ما بخششی کند؛ بلکه لطف او بر اساس فضل و بدون حساب است. واقعیت این است که تأمین هزینه های اصلی و اساسی ازدواج بر عهده خداوند است. اگر مخارج غیر ضروری که ریشه در سنت های غلط، اسراف و تقلید از دیگران دارد، حذف شود مانعی برای ازدواج وجود نخواهد داشت. پس شایسته است با مدیریت صحیح بر مخارج ازدواج، راه عمل به این توصیه دینی را هموارتر سازیم.

درباره آیه فوق، روایاتی وارد شده است که کسانی را که بدلیل فقر و نداری از ازدواج خودداری می کنند، به «سوء ظن داشتن به خداوند» متهم کرده و آنان را سرزنش نموده اند: «قال الصادق - علیه السلام - مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْفَقْرِ فَقَدْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَنْ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ: کسی که از ترس فقر ازدواج نکند، به خداوند عزوجل گمان بد برده است، زیرا که خداوند می فرماید: اگر فقیر هستند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می کند. قال رسول الله - صلی الله علیه و آله - حَقَّ عَلَيَّ اللَّهُ عَوْنٌ مَنْ نَكَحَ التِّمَاسَ الْعِفَافِ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ: یاری کردن کسی که برای در امان ماندن از گناه ازدواج کند، بر عهده خداوند است.

مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی در بیانی می فرمایند: من خودم توصیه ام این است که ازدواج را آسان بگیرند؛ مهریه ها زیاد نشود؛ جهیزیه ها سنگین نشود؛ در مراسم مهمانی ها، خیلی ریخت و پاش نشود و اسراف آمیز نباشد.

اگر عادت کنند که ازدواج‌ها را ساده، بی‌پیرایه و بی‌تشریفات انجام دهند، فکر می‌کنم که بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

۲. فرار از مسئولیت

یکی دیگر از دلایل مهمی که مانع از ازدواج مردان می‌شود، فرار از قبول مسئولیت است. واقعیت این است که هیچ‌رشدی در شخصیت انسان بدون قبول مسئولیت محقق نمی‌شود. با قبول مسئولیت‌ها و تحمل مشکلات و مدیریت آنها، گوهر وجود آدمی استخراج می‌شود و توانایی‌های بالقوه او، در عمل ظاهر و منجر به کسب موفقیت‌های بیشتر در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی می‌شود. این، مضمون فرمایش زیبای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است: «فی تقلب الاحوال علم جواهر الرجال» (۳) در دگرگونی حالات، گوهرهای مردان شناخته می‌شود. پس شایسته است جوانان به دنبال کسب زمینه‌ها و آمادگی‌های لازم برای ازدواج باشند و بزرگان نیز اسباب ازدواج فرزندان خود را مهیا کنند که از حقوق اساسی فرزندان بر پدر، به ازدواج در آوردن آنهاست. (۵)

۱- نور: ۳۲.

۲- فضل به فزونی و زیادتی. مقدار زائد از حد متوسط که بیشتر در امور پسندیده به کار می‌رود. هر عطیه و احسانی را که بر معطی لازم نباشد، فضل می‌گویند (مفردات، ص ۳۴۳).

۳- کافی، ج ۵، ص ۳۱۳، حدیث ۵. از محمدبن جعفر از پدرش امام صادق علیه السلام، از پدرانش (علیهم السلام).

۴- نهج البلاغه، حکمت ۷۲۱.

۵- از حقوق فرزند بر پدرش این سه چیز است: نام نیکو بر او بپسندد، به او سواد و قرآن بیاموزد و هنگامی که بالغ شد، او را همسر دهد (مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۷۴، حدیث ۱۶۲۷).

۳. اهمیت دادن به برزگ‌زادگی

سخن گوهر بار امام صادق علیه السلام در این رابطه چنین است که می‌فرمایند: الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ زَوْجَ الْمُقَدَّادِ بْنِ أَسْوَدٍ ضَبَاعَةَ بِنْتِ الزُّبَيْرِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا زَوْجًا الْمُقَدَّادِ لِيَتَّضِعَ، الْمَنَاكِحُ، وَلِيَتَّأَسُّوا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِيَتَعَلَّمُوا أَنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَقَاكُمْ، كَانَ الزُّبَيْرُ أَخَا عَبْدِ اللَّهِ وَأَبِي طَالِبٍ لِأَبِي هَيْمَةَ وَأُمِّ هَيْمَةَ.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مقداد بن أسود را به ازدواج ضباعه، دختر زبیر بن عبدالمطلب در آورد، سپس امام فرمود: "پیامبر صلی الله علیه و آله او را به همسری مقداد در آورد تا (سطح) ازدواج‌ها پایین بیاید (و وصلت‌های طبقاتی از بین برود) و (مردم) از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم سرمشق بگیرند و تا بدانید که گرامی‌ترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست." و زبیر، برادر تنی عبد الله (پدر پیامبر صلی الله علیه و آله) و ابوطالب بود.

یکی از سنت های غلط دوران جاهلیت این بود که ازدواج مردی که سابقه ی غلامی داشت، با زنی آزاد و سرشناس و همچنین ازدواج مرد معروف و از خاندان شریف با همسر طلاق داده شده، برده یا کسی که سابقه ی بردگی داشته را هرگز نمی پسندیدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، خودشان برای از بین بردن این رسم غلط وارد صحنه شد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند: زید بن حارثه را به ازدواج زینب، دختر جَحش و مقداد را به ازدواج ضَباعه، دختر زَبیر بن عبدالمطلب در آوردم تا بدانند که بزرگ ترین شرافت، اسلام است.

السنن الکبری به نقل از زبیدی: زُهری درباره این ماجرا [یعنی ماجرای دستور دادن رسول خدا صلی الله علیه و آله به بنی بیاضه که از میان خود، دختری را به همسری به ابوهند بدهند] برایم نقل کرده که آنان (بنی بیاضه) گفتند:

ای رسول خدا! دختران ما را به همسری غلامان ما در می آوری؟!

پس، خداوند عز و جل این آیه را فرو فرستاد:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

سوره حجرات

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و تیره ها و قبیله ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست، خداوند دانا و خبیر است. در آیه مورد بحث مخاطب کل جامعه انسانی است و مهمترین اصلی را که ضامن نظم و ثبات است، بیان می کند، و میزان واقعی ارزش های انسانی را در برابر ارزش های کاذب و دروغین مشخص می سازد. در این آیه منظور از آفرینش مردم از یک مرد و زن همان بازگشت نسب انسانها به «آدم» و «حوا» است، بنابراین چون همه از ریشه واحدی هستند معنی ندارد که از نظر نسب و قبیله بر یکدیگر افتخار کنند، و اگر خداوند برای هر قبیله و طائفه ای ویژگی هائی آفریده برای حفظ نظم زندگی اجتماعی مردم است، چرا که این تفاوتها سبب شناسائی است، و بدون شناسائی افراد، نظم در جامعه انسانی حکمفرما نمی شود، چرا که هر گاه همه یکسان و شبیه یکدیگر و همانند بودند، هرج و مرج عظیمی سراسر جامعه انسانی را فرا می گرفت.

به هر حال قرآن مجید بعد از آنکه بزرگترین مایه مباهات و مفاخره عصر جاهلی یعنی نسب و قبیله را از کار می اندازد، به سراغ معیار واقعی ارزشی رفته می افزاید: «گرامیترین شما نزد خداوند باتقواترین شما است» (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ). به این ترتیب قلم سرخ بر تمام امتیازات ظاهری و مادی کشید، و اصالت و واقعیت را به مسئله تقوا و پرهیزکاری و خداترسی می دهد، و می گوید برای تقرب به خدا و نزدیکی به ساحت مقدس او هیچ امتیازی جز تقوا مؤثر نیست.

از آنجا که تقوا یک صفت روحانی و باطنی است که قبل از هر چیز باید در قلب و جان انسان مستقر شود، و ممکن است مدعیان بسیار داشته باشد و متصفان کم، در آخر آیه می افزاید: «خداوند دانا و آگاه است» (ان الله علیم خبیر). پرهیزگاران را به خوبی می شناسد، و از درجه تقوا و خلوص نیت و پاکی و صفای آنها آگاه است، آنها را بر طبق علم خود گرامی می دارد و پاداش می دهد مدعیان دروغین را نیز می شناسد و کیفر می دهد.

در ادامه باید اشاره کرد که بدون شک هر انسانی فطرتاً خواهان این است که موجود با ارزش و پر افتخاری باشد، و به همین دلیل با تمام وجودش برای کسب ارزش‌ها تلاش می‌کند. ولی شناخت معیار ارزش با تفاوت فرهنگ‌ها کاملاً متفاوت است، و گاه ارزش‌های کاذب جای ارزش‌های راستین را می‌گیرد. گروهی ارزش واقعی خویش را در انتساب به «قبیله معروف و معتبری» می‌دانند، و لذا برای تجلیل مقام قبیله و طائفه خود دائماً دست و پا می‌کنند، تا از طریق بزرگ کردن آن خود را به وسیله انتساب به آن بزرگ کنند. مخصوصاً در میان اقوام جاهلی افتخار به انساب و قبائل رائج‌ترین افتخار موهوم بود، تا آنجا که هر قبیله‌ای خود را قبیله برتر و هر نژادی خود را «نژاد والاتر» می‌شمرد، که متأسفانه هنوز رسوبات و بقایای آن در اعماق روح بسیاری از افراد و اقوام وجود دارد. گروه دیگری مسئله مال و ثروت و داشتن کاخ و قصر و خدم و حشم و امثال این امور را نشانه ارزش می‌دانند، و دائماً برای آن تلاش می‌کنند، در حالی که جمع دیگری مقامات بلند اجتماعی و سیاسی را، معیار شخصیت می‌شمرند. و به همین ترتیب هر گروهی در مسیری گام برمی‌دارند و به ارزشی دل می‌بندند و آنرا معیار می‌شمرند. اما از آنجا که این امور همه اموری است متزلزل و برون ذاتی و مادی و زودگذر یک آئین آسمانی همچون اسلام هرگز نمی‌تواند با آن موافقت کند، لذا خط بطلان روی همه آنها کشیده، و ارزش واقعی انسان را در صفات ذاتی او مخصوصاً تقوا و پرهیزکاری و تعهد و پاکی او می‌شمرد، حتی برای موضوعات مهمی، همچون علم و دانش، اگر در مسیر ایمان و تقوا و ارزش‌های اخلاقی، قرار نگیرد اهمیت قائل نیست.

۴. نا آگاهی از دین

برخی به دلیل نا آگاهی از مبانی دینی و برداشت‌های غلط در خصوص مبحث ازدواج رفتارهایی از آنان سرباز می‌زند که نمونه‌ای از آن در حدیث ذیل بیان شده است:

عن عبد الصمد بن بشیر: دَخَلَتْ امْرَأَةٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَتْ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، إِنِّي امْرَأَةٌ مُتَّبِلَةٌ. فَقَالَ: وَمَا التَّبْتُ عِنْدَكَ؟ قَالَتْ: لَا أَتَزَوَّجُ، قَالَ: وَلِمَ؟ قَالَتْ: أَلْتَمِسُ بِذَلِكَ الْفَضْلَ. فَقَالَ: إِنصَرِفِي، فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ فَضلاً لَكَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَحَقَّ بِهِ مِنْكَ، إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يَسْبِقُهَا إِلَى الْفَضْلِ.

الكافی: ج ۵ ص ۵۰۹ ح ۳

در کافی به نقل از عبد الصمد بن بشیر آمده است که: زنی، نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: امام به سلامت باد! من زنی تارک دنیا هستم. امام علیه السلام فرمود: منظورت از ترک دنیا چیست؟ گفت: ازدواج نمی‌کنم. فرمود: چر؟ گفت: با این کار، در پی کسب فضیلت هستم. فرمود: برگرد که اگر در این کار، فضیلتی بود، هر آینه، فاطمه علیها السلام از تو، به آن، سزاوارتر بود. هیچ کس نیست که در فضیلت، بر او پیشی بگیرد.

طبق این حدیث شریف مشخص می‌شود که فرد به جهت استنباط شخصی خود و اینکه ازدواج را یک امر دنیایی و غیر خدایی تلقی نموده است از انجام این فریضه الهی خود را محروم داشته است، غافل از این که دستور به ازدواج خود یک امر الهی است.

۵. ترس از مسئولیت پذیری

یکی دیگر از موارد موانع ازدواج، ترس از مسئولیت پذیری است. انسان، موجودی رها شده نیست تا همانند حیوانات، تمام همتش بر کردن شکم باشد و خود را در برابر هیچ کس پاسخگو نداند؛ بلکه تفاوت انسان با سایر موجودات، افزون بر عقل و خرد، وظایفی است که توسط آفریننده انسان برای او وضع شده است تا با عمل به آن‌ها، سعادت دنیا و آخرت را به دست آورد.

از منظر اسلام خداوند متعال در برابر هر نعمتی، مسئولیتی را بر عهده انسان قرار داده و به میزان مسئولیت نیز از انسان بازخواست خواهد نمود، (۱) مهم آن است که مسئولیت‌ها را به خوبی بشناسیم و در مقام عمل به وظیفه خود عمل کنیم.

حس مسئولیت، گاه در برابر خود انسان است که تقوا و ترس از خدا بارزترین نمونه آن است. تقوا، احساس مسئولیت از درون را افزایش می‌دهد و انسان باتقوا، همواره یک پلیس معنوی را در درون جان خود حاضر می‌بیند.

در همین راستا باید به ایجاد حس مسئولیت نسبت به خانواده، پرداخت. در فرهنگ اسلام، خانواده کانونی مقدس است. در این دین، تمامی اعضای خانواده به خصوص همسران در برابر یکدیگر مسئول و موظف به رعایت آن می‌باشند. گرچه مسئولیت‌های تک تک اعضای خانواده نسبت به یکدیگر پرشمار است اما مسئولیت مردان بیش از سایر اعضاء خانواده است چرا که مدیریت خانواده با مرد است. (۲) و او وظیفه دارد با کردار و رفتار خویش، مهرورزی را در خانواده گسترش دهد و با خدمت به زن (۳) و مهربانی با اعضای خانواده (۴) محیط آرامی را برای اعضای خانواده فراهم آورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «برادرم جبرئیل برایم خبر می‌آورد و همیشه مرا به زنان سفارش می‌نمود تا آنجا که گمان کردم که جایز نیست که مرد به همسرش اف بگوید». (۵)

اهمیت این مهرورزی تا جایی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «نشستن مرد در کنار خانواده‌اش، نزد خداوند متعال، دوست‌داشتنی‌تر از اعتکاف در این مسجد من است». (۶)

مهرورزی مرد در خانواده سبب خواهد شد تا مسئولیت هدایت خانواده را نیز به خوبی عهده‌دار شود. قرآن کریم به همه مؤمنان خطاب می‌کند که: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ؛ (۷) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه‌دارید».

در این آیه شریفه تعبیر به «قوا» (نگه‌دارید) اشاره به این است که اگر آن‌ها را به حال خود رها کنید خواه ناخواه به سوی آتش دوزخ پیش می‌روند، شما هستید که باید آن‌ها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید.

گرچه اسلام بر امر به معروف و نهی از منکر سفارش بسیاری نموده است اما از آیه فوق به خوبی استفاده می‌شود که انسان در مقابل همسر و فرزندان خویش مسئولیت سنگین‌تری دارد و موظف است تا آنجا که می‌تواند در تعلیم و تربیت آن‌ها بکوشد، آن‌ها را از گناه باز دارد و به نیکی‌ها دعوت نماید، نه اینکه تنها به تغذیه جسم آن‌ها بسنده کند.

مادر نیز در این زمینه مسئولیت سنگینی بر عهده دارد، چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر یک از شما که [به‌گونه‌ای] سرپرست است، ... مرد، سرپرست خانواده خویش است و درباره آن‌ها از او بازخواست می‌شود. زن نیز سرپرست خانه شوهر خود و فرزندان اوست و درباره آن‌ها از او سؤال خواهد شد».(۸)

بسیاری از جوانان دلیل عدم ازدواج شان را ترس از مشکلات بعد از آن و رسیدن به جایی که آخرین راه زندگی مشترک شان طلاق باشد، بیان می‌کنند اما بیشتر والدین دلایل ازدواج نکردن فرزندان شان را عدم مسئولیت‌پذیری و قبول نکردن بار مشکلات یک زندگی مشترک می‌دانند. شاید دلیلش را بتوان به نوع تربیت والدین نسبت داد؛ از آنجایی که طی دهه‌های اخیر تربیت‌ها طوری صورت گرفته است که والدین تمام سختی‌های زندگی را تقبل می‌کنند تا جوانان در رفاه کامل باشند، دختران و پسران، ناخودآگاه از پذیرش مسئولیت‌شان خالی می‌کنند و روحیه و توانایی مبارزه با مشکلات در آنها کاهش پیدا کرده است.

بنابراین باید برای پذیرش مسئولیت‌ها برنامه ریزی صورت گیرد. پس ابتدا برنامه و اهداف خود را در زندگی آینده در نظر بگیرید. آیا شما آمادگی لازم برای پذیرفتن فرد دیگر و مسئولیت‌های او را در زندگی دارید؟ چه برنامه و راهکاری برای تامین مسائل مالی و برطرف کردن سایر نیازهای طرف مقابل در زندگی خود دارید؟ شما و همسران در آینده چه مسئولیت‌هایی را باید به عهده بگیرید؟ با یافتن پاسخی برای سوالاتی مانند سوالات بالا شما تصوری از آینده خود بعد از ازدواج خواهید داشت و با صحبت در مورد اهداف و برنامه‌های خود با طرف مقابلتان و همچنین آگاه شدن از برنامه‌های او می‌توانید راحت‌تر با مسئله ازدواج و ترس از مسئولیت‌های آن کنار بیایید.

[۱] جامع الأخبار، ص ۱۱۹.

[۲] نساء: ۳۴.

[۳] جامع الأخبار، ص ۱۰۳.

[۴] عیون أخبار الرضا، ج ۷، ص ۲، ص ۳۸.

[۵] مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۲.

[۶] مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۲.

[۷] تحریم: ۶.

[۸] مجموعه ورام، ورام بن ابي فراس، ج ۱، ص ۶.

۶. تغییر شاخص ها و معیارهای انتخاب همسر

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که: من تزوج امرأة لمالها وکله الله الیه، و من تزوجها لجمالها رای فیها ما یکره، و من تزوجها لدینها جمع الله له ذلک «هر که با زنی به خاطر مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال وی واگذار می کند، و هر که با او به خاطر جمال و زیبایی اش ازدواج نماید، در او چیزی را که خوشایند او نیست، خواهد دید، و هر که با وی به خاطر دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع می کند.» (وسائل الشیعه، ج. ۱۴، ص. ۳۱)

در اسلام شرط اول انتخاب همسر، ایمان و تقوا معرفی شده است. همسر با تقوا بیشتر از همسری که تقوای کمتری دارد، می تواند اعتماد و آرامش را تامین کند. بنابراین پرهیزگاری شرط اول ازدواج از نگاه ائمه و معصومین علیهم السلام است. کسی که پایبند به دین نباشد هیچ ضمانتی وجود ندارد که به رعایت حقوق همسر و زندگی مشترک پایبند باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیث دیگری می فرمایند: وقتی کسی که به خواستگاری می آید و اخلاق و دین اش مایه رضایت است به او زن دهید که اگر چنین نکنید، فتنه و فساد زمین را پر خواهد کرد. (نهج الفصاحه، ح ۲۴۷)

البته نمی توان این واقعیت را انکار کرد که امروزه وجود مشکلات اقتصادی موجب شده است برخی معیارهای ازدواج و انتخاب همسر برای بعضی افراد تغییر کند و شاخصه های اقتصادی جایگزین ارزش های اخلاقی شود. حقیقت این است که بعضی از جوانان برای رهایی از مشکلات اقتصادی به جای سعی و تلاش بیشتر، به دنبال ازدواج با شخصی متمول و دارای وضعیت اقتصادی مناسب هستند.

در واقع شیوع این باور نادرست در بین جوانان که: «چنانچه با همسری ثروتمند یا دارای تحصیلات، جایگاه و موقعیت اجتماعی مناسب ازدواج کنم، می توانم روی تمام واقعیت های تلخ موجود در زندگی گذشته از جمله فقر اقتصادی، فقر فرهنگی و بی سوادی والدین، نداشتن موقعیت و جایگاه اجتماعی مناسب خطی پر رنگ بکشم و تحولی جدید در شرایط فعلی زندگی ام ایجاد کنم»، موجب شده است معیارهای اخلاقی و شخصیتی طرفین، قبل از ازدواج نادیده گرفته شود و وضعیت مالی و اقتصادی آن ها اولویت نخست را به خود اختصاص دهد. به خاطر داشته باشید ازدواج کردن با یک فرد، بدون در نظر گرفتن معیارهای اساسی انتخاب همسر و هم کفو بودن و همچنین بدون احساس و عاطفه قلبی و فقط از روی نگاه مادی گرایانه و صرفاً به خاطر پول، به طور قطع عقلانی نیست و اشتباه محض است اما توجه به نکاتی که در ادامه می آید، در امر ازدواج خصوصاً در انتخاب همسر حائز اهمیت است.

بنابراین می تواندر مقابل عوامل بالا به دو معیار ذیل اشاره نمود

الف) فرد باید خود ساخته باشد: اگر خواستگار دارای خودروی مدل بالا، خانه مسکونی مستقل و امکانات رفاهی برای شروع زندگی مشترک است اما یک سوال مهم همواره وجود دارد و آن این که: «خود این فرد تا چه اندازه در به دست آوردن چنین امکاناتی نقش داشته است؟ آیا تمام آنچه کسب کرده است نتیجه تلاش، رزق حلال و استقلال مالی خود

اوست یا این که تمام سرمایه لازم را خانواده اش برای او فراهم آورده اند؟ فراموش نکنید مال و ثروتی که به دیگری تعلق داشته باشد، یا تلاشی برای کسب آن صورت نگرفته باشد و یا برنامه ریزی دقیقی نه تنها برای حفظ آن بلکه با هدف افزودن به آن سرمایه وجود نداشته باشد، از کف خواهد رفت. از طرفی بسیاری از جوانان اگر چه در حال حاضر از شرایط مالی کاملاً مساعدی برخوردار نیستند اما از قابلیت هایی بهره مندند که با بررسی دقیق آن ها می توان آینده ای سرشار از پیشرفت برای شان پیش بینی کرد.

ب) اهمیت دادن به استقلال مالی: بر کسی پوشیده نیست که برخورداری از «استقلال» در بیشتر امور زندگی امری است که به انسان ارزش و جایگاهی والا می بخشد و وابستگی همواره تخریب کننده است و زمینه ایجاد مداخله های اطرافیان را فراهم می آورد. «وابستگی مالی» و اقتصادی همسر به خانواده اش نیز از این قاعده مستثنی نیست و با عواقب و پیامدهایی همراه است که نه تنها دامن گیر خود فرد وابسته می شود بلکه همسر او را هم به مخاطره می اندازد.

مهم ترین پیامدهای نداشتن استقلال مالی و وابستگی اقتصادی به خانواده همسر عبارت است از: ایجاد زمینه جهت دخالت خانواده در امور شخصی و خصوصی زوجین از جمله نحوه خرج کردن پول، خرید کردن و ...، تجربه احساس حقارت ناشی از سرزنش ها و منت گذاشتن های خانواده که در بیشتر مواقع با تحسین کردن عضو دیگری از خانواده که به لحاظ مالی مستقل از پدر و مادر است همراه می باشد، شکسته شدن مرزها، ضعیف شدن تدریجی اعتماد به نفس زوج، بالا رفتن میزان تنش و تشنج میان زن و شوهر به واسطه مداخلات خانواده، استرس دائمی ناشی از این که مبادا خانواده به هر دلیلی حمایت مالی خود را از ما قطع کند، ایجاد زمینه ای برای بروز توقعات و انتظارات نابجا و غیرمنطقی خانواده همسر از زوج که در موارد زیادی توان نه گفتن در مقابل آن ها وجود ندارد و ... همه و همه از پیامدهای نبود استقلال مالی همسر از خانواده اش است. در مواردی نیز دیده شده است که خانواده ادامه حمایت مالی از فرزندشان را به جدایی او از همسرش منوط می دانند!

فصل سوم: آداب ازدواج و تشکیل خانواده

انسان در سراسر زندگی با انتخاب هایی روبه رو می شود و بایسته است که ملاک ها و معیارهایی برای گزینش هر موضوع در دست داشته باشد؛ مانند انتخاب شغل، رشته تحصیلی، مسکن و ... فرد براساس منافع و شرایط و امکانات موجود، معیارهایی را تعریف و آنگاه گزینش می کند، یکی از موضوعات و مسائل مهم زندگی ازدواج است که نیازمند دقت و توجه بیشتری است؛ زیرا به تمام زندگی دنیوی و اخروی او ارتباط دارد و نسل آینده نیز از آن متأثر می باشد. با توجه به اهمیت موضوع و پیامدهای آن ضروری است تا ملاک ها و معیارهای درست و منطقی ازدواج را بشناسیم.

قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام ملاک های مهمی را برای این مسئله بیان کرده است که در این نوشتار به چند نمونه می پردازیم:

امام صادق علیه السلام درباره اهمیت توجه به ملاک های انتخاب همسر فرمودند: «انظر این تضع نفسک و من تشرکه فی مالک و تطلعه علی دینک و سرک؛ خوب دقت کن که خودت را در کجا می نهی و چه کسی را در مالت شریک می گردانی و بر دین و اسرار آگاه می سازی.»

الإمام الحسن عليه السلام لِرَجُلٍ جَاءَ إِلَيْهِ يَسْتَشِيرُهُ فِي تَزْوِيجِ ابْنِ زَوْجِهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ ، فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا ، وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمِهَا. امام حسن عليه السلام- به مردی که نزد ایشان آمد و درباره شوهر دادن دخترش با امام علیه السلام مشورت کرد- او را به همسری مردی با تقوا درآور ؛ زیرا اگر دختر تو را دوست داشته باشد ، گرامی اش می دارد و اگر دوستش نداشته باشد ، به او ستم نمی کند. مکارم الأخلاق : ج ۱ ص ۴۴۶ ح ۱۵۳۴ نقلاً عن تهذيب الأحكام

و نیز فرمودند: «انما المرائة قلادة فانظر ماتقلد؛ زن به منزله گردنبندی است که به گردن می افکنی، سپس مراقب باش که چه چیزی را به گردن می افکنی.»

در اینجا به بررسی برخی مباحث آداب ازدواج می پردازیم:

۱- انگیزه درست

یکی دیگر از مباحثی که در تحکیم خانواده مطرح است: "آداب ازدواج و تشکیل خانواده" است . اولین موضوع قابل طرح در این زمینه "انگیزه درست" است: عنه صلى الله عليه و آله : لا تَزَوِّجُوا النِّسَاءَ لِحُسْنِهِنَّ ؛ فَعَسَى حُسْنُهُنَّ أَنْ يُرْدِيَهُنَّ ، ولا تَزَوِّجُوهُنَّ لِأَمْوَالِهِنَّ ؛ فَعَسَى أَمْوَالُهُنَّ أَنْ تُطْغِيَهُنَّ ، وَلَكِنْ تَزَوِّجُوهُنَّ عَلَى الدِّينِ . پیامبر خدا صلى الله عليه و آله وسلم می فرمایند: با زنان، به خاطر زیبایی شان ازدواج نکنید؛ زیرا چه بسا زیبایی، آنها را به تباهی افکند. برای مال و ثروتشان هم با آنان ازدواج نکنید؛ چه بسا که ثروتشان آنان را به سرکشی وا دارد؛ بلکه برای دین با آنها ازدواج کنید. دعائم الإسلام ج: ۲ ص ۱۹۵ ح ۷۱۰

از جمله موارد معیارها و انگیزه های درست در اسلام:

الف) ایمان به خدا و دینداری

دینداری افراد فقط به انجام واجبات مثل نماز و روزه و... نیست چرا که به اینها عادت می کنند، بلکه دینداری را به وسیله امانتداری و وفای به عهد و اجتناب از مال حرام و درستکاری و تقید به امر به معروف و نهی از منکر و رعایت حقوق دیگران و اجتناب از ظلم و تعدی، می توان تشخیص داد. راه تشخیص دینداری افراد، معاشرت و معامله با آنهاست، چون انسان با نزدیک شدن به آنها و معاشرت با آنها احیانا پایبند بودن در معاملاتی که صورت می گیرد و تقید افراد را به مسائل دینی متوجه خواهد شد. زوجین باید پایبند به ارزش های الهی و دینی باشند و به وعده ها و تعهدات خویش نسبت به همدیگر عمل نمایند.

مردی در نامه ای از امام باقر علیه السلام سوال کرد جوانی به خواستگاری دخترم آمده است، نظر شما چیست؟ امام در پاسخ به او نوشت: جوانی که به خواستگاری دخترت آمده، اگر اخلاق و ایمان او مورد رضایت است به او زن بده. رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمود: کسی که به خاطر دین و ایمان زنی با او ازدواج کند، خداوند همه دنیايش را برای او فراهم می کند. (میزان الحکمه، ج ۵)

امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند: اگر مردی با زنی برای جمال یا مالش ازدواج کند به همین امر واگذار می شود ولی اگر برای دینداری بودن با او ازدواج کند خدا مال و جمال را نیز نصیبش می گرداند. (وسائل الشیعه، ج ۱۴)

(ب) کفو هم بودن همسران

کفو در لغت به معنای شبیه و مانند است، بین دختر و پسر باید سنخیت باشد، در قرآن و روایات ائمه معصومین علیهم السلام در مورد تناسب بین زوجین سفارش زیادی شده است. به طوری که مهمترین تناسب و سنخیتی که بین دختر و پسر باید لحاظ شود دینداری است. امام صادق علیه السلام فرمود: دختر دانا و با معرفت جز با جوان با معرفت و شایسته زندگی نمی کند. (بحارالانوار، ج ۱۰۰)

(ج) عاقل بودن

عقل از مهمترین شرایط یک همسر ایده آل به حساب می آید، چون اداره زندگی به دست انسان خردمند در جهت پیمودن راه سعادت بسیار مهم است. همسر با تعقل و متفکر و مدیر، می تواند کانون خانواده را گرم و با صفا کند. همسر عاقل زندگی اش را بر پایه تعقل استوار می کند و از امکانات موجود شوهرش برنامه ریزی دقیقی انجام می دهد تا بتواند به نحو احسن بهره وری را در امورات مربوطه پیاده کند. پس بزرگان در توصیه مکرر خویش می فرمایند: از ازدواج با شخص نادان بپرهیزید که ازدواج با جاهل مایه اندوه بلا و فرزندش بدبخت و متأثر از آن می شود.

(د) اصالت در شرافت خانوادگی

شرافت و اصالت خانوادگی افراد در اخلاق، عفت، وفای به عهد و دیانت آن ها است. خانواده ای که دارای شخصیت اخلاقی و روحی و معنوی بالایی هستند و افرادی که در دامن خانواده های اصیل پرورش پیدا کرده اند می توانند همسر صالح و شایسته ای برای همدیگر باشند و در تربیت فرزندانشان می توانند موفق شوند.

(ه) سلامت روان

همسر سالم و با سلامت روان در اداره خانه و فرزندانش موفق تر است و به وظایف شرعی و اخلاقی خود بهتر عمل می کند. البته بعضی از بیماری های جسمی و روحی با معاجله قابل درمان هستند و این در مسائل خانوادگی مشکلی را به بار نمی آورد ولی اگر شخص دارای بیماری های روحی غیر قابل درمان باشد ممکن است در انجام وظایف همسری اش ناتوان بماند.

(و) عفت و پاکدامنی

پاکدامنی و عفت، در تحکیم خانواده و سلامتی نسل و تقویت بعد روحانی و معنوی و طهارت قلب و روح نقش به سزایی دارد. امام رضا علیه السلام فرمود: جز با زن پاکدامن ازدواج مکن.

(ز) دعا کردن

ازدواج مسلمان یکی از مهمترین دغدغه های جوانان می باشد و در جامعه امروز این امر مهم با دشواری های عدیده ای رو به روست اگر بخواهیم مشکلات اقتصادی و اجتماعی ایم مقوله را نادیده بگیریم باز هم این فکر که آیا میتوانم همسر خوبی پیدا کنم؟ و یا بعد از ازدواج چه پیش خواهد آمد جوانان عزیز را به خود مشغول میدارد و بسیاری دنبال ذکر و یا دعایی هستند که بوسیله آن هم مشکل ازدواجشان حل شود و هم اینکه خود را آرام کنند و یقین بخشند به خیریت امرشان. بدون شک انسان باید در امور مهم زندگی مانند ازدواج از خداوند متعال استعانت بطلبد. ائمه اطهار علیهم السلام نیز در احادیث و روایات مختلف، جوانان را به خواندن دعا و نماز برای یافتن همسری مؤمن و شایسته سفارش کرده اند.

قال علیّ علیه السلام : مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ التَّزْوِيجَ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَلْيَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَسُورَةِ يَس ، فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيَحْمِدِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلْيُثْنِ عَلَيْهِ ، وَلْيَقُلْ : اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً وَوَدَا وَوَلُودًا شُكُورًا قَنُوعًا غَيُورًا ، إِنْ أَحْسَنْتُ شَكَرْتُ ، وَإِنْ أَسَأْتُ غَفَرْتُ ، وَإِنْ ذَكَرْتُ اللَّهَ تَعَالَى أَعَانَتْ ، وَإِنْ نَسِيتُ ذَكَرَتْ ، وَإِنْ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهَا حَفِظْتُ ، وَإِنْ دَخَلْتُ عَلَيْهَا سُرْتُ ، وَإِنْ أَمَرْتُهَا أَطَاعَتْنِي ، وَإِنْ أَسَمْتُ عَلَيْهَا أَبْرَتْ قَسَمِي ، وَإِنْ غَضِبْتُ أَرْضَتْنِي ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ هَبْ لِي ذَلِكَ فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ وَلَا أَجِدُ إِلَّا مَا قَسَمْتَ لِي . مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ .

امام علی علیه السلام می فرماید: هر یک از شما که خواست ازدواج کند ، (نخست) دو رکعت نماز بگذارد و سوره حمد و یس را بخواند و آن گاه که از نماز فراغت یافت ، ثنای خداوند عز و جل را به جا آورد و بگوید : بار خدایا ! مرا همسری نیک و مهربان و زایا و سپاس گزار و قانع و پاک دامن روزی فرما!

اگر نیکی کردم، سپاس گزاری کند . اگر بدی کردم، ببخشد . اگر خدای بزرگ را یاد کردم، کمک نماید . اگر (خدا را) فراموش کردم ، یادآوری کند. هرگاه خانه را ترک کردم، خودش را حفظ کند . هرگاه بر او وارد شدم، خوشحال شود . اگر دستورش دادم ، (که فلان کار را بکند یا نکند) از من فرمانبرداری کند . هرگاه سوگندش دادم، بپذیرد. هرگاه به خشم آمدم، مرا خشنود سازد.

ای خداوندگار شکوه و بزرگواری! چنین زنی را به من ببخش، که من از تو درخواست می کنم و به دست نمی آورم ، مگر آنچه تو قسمت من کرده ای. هر کس چنین کند، خداوند، آنچه را که درخواست کرده، به او عطا می فرماید. بحار الأنوار : ج ۱۰۳ ص ۲۶۸ ح ۱۸

ملاک هایی که مطرح می شود هم باید در مورد مردان باشد و هم درباره زنان، چنین نیست که تنها زنان باید این صفات و ویژگی ها و ملاک ها را دارا باشند و مردان از آن مستثنی شوند:

ح) ایمان و دینداری

متون دینی ما، اولین و مهم ترین ملاک در انتخاب همسر را دینداری معرفی کرده است. قرآن کریم در همین زمینه می فرماید: «ولا تنكحوا المشركات حتى يؤمنن ولا تنكحوا المشركين حتى يؤمنوا و لعلكم تحذرون» و لامه مؤمنه خیر من مشرکه ولو اعجبتمکم و لا تنکحو المشرکین حتی یؤمنوا و لعبد مؤمن خیر من مشرک ولو اعجبکم اولئک یدعون الی النار واللّٰه یدعو الی الجنه؛ با زنان مشرک تا زمانی که ایمان نیاورده اند ازدواج نکنید،

اگر چه بخاطر مال یا جمال و مقام (موقعیت)، شما را به شگفتی آورند و زنان خود را به ازدواج مردان مشرک و بت پرست تا ایمان نیاورده اند در نیاورید اگر چه (مال و زیبایی و موقعیت) آنان شما را به شگفتی آورد (زیرا) آنها شما را به سوی آتش دعوت می کنند و خداوند شما را دعوت به بهشت و آمرزش می نماید».

امام صادق علیه السلام می فرماید: «اگر مرد با زنی برای جمال یا مال ازدواج کند به همین امر واگذار می شود ولی اگر برای دیندار بودن او ازدواج کند خدا مال و جمال را نیز نصیبش می گرداند».

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «هر کس با زنی برای مالش ازدواج کند خدا او را به همین امر واگذار می نماید و هر کس که برای جمالش ازدواج کند به چیزی می رسد که از آن کراهت دارد و هر کسی که برای دینداری ازدواج کند خداوند هر سه را برایش جمع می کند».

از این آیه و روایات بخوبی استفاده می شود کسانی که درصدد انتخاب همسر هستند باید ایمان و دینداری را به عنوان شرط اصلی و ضروری محسوب بدانند و برای یافتن آن کمال سعی و جدیت را به عمل آورند. والدین پسر و دختر نیز باید در انتخاب همسر برای فرزندان خود موضوع ایمان و دیانت و تقید به ضوابط و مقررات شریعت را شرط اساسی بدانند و دریافتن چنین فردی به پسر و دخترشان کمک نمایند.

ط) عقل و هوش

بعد از دینداری، عقل و زیرکی از مهم ترین معیار و ملاک یک همسر خوب محسوب می شود، اداره و تداوم و پیمودن راه راست و حل مشکلات زندگی کار آسانی نیست اگر دو همسر با هم تفاهم داشته باشند و موقعیت یکدیگر و شرایط و امکانات زندگی را خوب درک کنند، می توانند زندگی را بر پایه صحیحی استوار سازند و به انجام وظیفه مشغول باشند و به کانون خانواده صفا و محبت و گرمی دهند و با عقل و درایت مشکلات را حل و فصل کنند. همسر عاقل امکانات خانواده و شرایط و اوضاع زندگی را خوب درک می کند، توقعات بیجا و بلندپروازی ندارد تا همسرش را در فشار قرار دهد. اکثراً اختلافات خانوادگی و کشمکش های زندگی معلول جهالت و نادانی زن و شوهر، یا یکی از آنها می باشد؛ زوجین هر چه عاقل تر باشند بهتر می توانند همسررداری کنند و وسیله آسایش و خوشی همدیگر را فراهم سازند و از اختلافات و مشکلات بکاهند. همسر عاقل، گذشت و بردباری دارد و با بهانه های کوچک و جزئی زندگی را متلاشی نمی سازد.

به علاوه، عقل و هوش زن و شوهر در فرزندان نیز تأثیر دارد، فرزندان خانواده خوش فهم و باهوش، غالباً زیرک می شوند، و برعکس حماقت و نادانی پدر و مادر نیز در فرزند تأثیر دارد، همسر باهوش و عاقل بهتر می تواند نسبت به تعلیم و تربیت فرزندانش انجام وظیفه نماید. باری عقل و درایت یکی از معیارها و ملاک های مهم و بسیار با ارزش محسوب می شود که به هنگام گزینش همسر باید کاملاً مورد توجه قرار بگیرد.

امام علی علیه السلام می فرماید: «ایاکم و تزویج الحمقاء فان صحبتها بلاء و ولدها ضیاع؛ با انسان احمق و نافهم ازدواج نکنید زیرا معاشرت با او بلایی است عظیم و فرزندانش نیز ضایع خواهند شد.» همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و

سلم به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «یا علی لا فقر اشد من الجهل و لا مال اعود من العقل؛ یا علی! هیچ فقری بدتر از نادانی و جهالت نیست و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست.»

و نیز امام صادق علیه السلام می فرماید: «العقل دلیل المؤمن؛ عقل دلیل و راهنمای مؤمن است.» از این روایات به خوبی استفاده می شود که عقل و هوش از بزرگترین معیارها و ملاک هایی است که در انتخاب همسر باید مورد توجه دختر و پسر باشد.

ی) اخلاق نیک

سومین معیار و ملاک در انتخاب همسر اخلاق حسنه است و این مطلب را می توان از قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام به خوبی استفاده کرد. قرآن کریم می فرماید: «فانکحوا ما طاب لکم من النساء؛ با زنان پاک ازدواج کنید.»

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «اذا جائکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه الا تفعلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر؛ اگر کسی به عنوان خواستگاری به نزد شما آمد که خلق و دینش را می پسندید با او ازدواج کنید و اگر به این دستور عمل نکنید. فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد.»

و نیز در روایات دیگر می فرماید: «زوجها من رجل تقی فانه ان احبها اکرمها و ان ابغضها لم یظلمها؛ دختری را به ازدواج انسان متقی و پرهیزکار در آور، زیرا اگر دختری را دوست داشته باشد او را اکرام و احترام می کند و اگر نسبت به او بغض داشته باشد به او ظلم نمی کند.»

حسین بشار واسطی می گوید: «به امام رضا علیه السلام نوشتم، یکی از خویشاوندان از دخترم خواستگاری کرده است اما بد اخلاق است امام علیه السلام فرمود: «اگر بد اخلاق است دختر به او نده.»

زن و شوهر یک عمر در کنار هم اند و ارتباط کلامی و غیر کلامی فراوانی با هم دارند. بدین روی اخلاق حسنه و خوش رفتاری و نیک گفتاری در همه زندگی ها بسیار ضروری است و بدون آن زندگی بی روح و خسته کننده خواهد بود. زندگی با زن و مردی دارای کمالات و زیبایی، اما بد اخلاق و بد رفتار و تندخو، رنج آور خواهد بود و انسان هر روز آرزوی مرگ می کند. زیرا دیدن حالات و رفتار و مشاهده گفتارهای تند و خشن او از تحمل هر انسان صبور و شکیبایی خارج است بنابراین شرط اساس زندگی سالم، صمیمی، با نشاط و با صفا، داشتن همسری خوش اخلاق و عقیف و نیک گفتار است.

ک) عفت و پاکدامنی

از جمله ملاک های بسیار مهم و ضروری در انتخاب همسر، عفت و پاکدامنی است. اگر به قرآن کریم و روایات معصومان مراجعه کنیم بخوبی می فهمیم که آنان به عفت و پاکدامنی تأکید فراوان می کردند. قرآن شریف در همین زمینه می فرماید: «الزانی لاینکح الا زانیه او مشرکه و الزانیه لاینکحها الا زان او مشرک و حرم ذلک علی المؤمنین؛ مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی کند، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود در نمی آورد، و این کار بر مؤمنان حرام شده است.»

بنا بر روایت خداوند متعال می فرماید: «وقتی اراده کنم که خیر دنیا و آخرت را برای یک مسلمان جمع کنم قلبی خاشع و زبانی ذاکر و تنی صابر بر بلا به او عطا می کند و همسری به او می دهم که از نگاه کردن به وی شادمان شود، و آن زن در غیاب شوهر از نفس خودش و مال شوهرش نگهداری کند».

امام صادق علیه السلام می فرماید: «کفو بودن در این است که عقیف باشد و از امکانات اقتصادی نیز برخوردار باشد. همچنین امام صادق علیه السلام درباره پاک‌ی درونی و منش زنان در سرنوشت و تربیت بهتر و برتر کودکان فرموده است: «طوبی لمن کانت امه عقیفه؛ خوشا به حال کسی که مادرش پاکدامن باشد.»

در فرهنگ دینی و سفارش پیشوایان معصوم که اینقدر به پاک‌ی و عفت مردان و زنان تأکید شده است برای آن است که اگر پدر و مادر بد رفتار و ناپاک باشد و توجه به دستورات شرعی نداشته باشند، در اخلاق و روش کودک اثر نامطلوبی برجای خواهد گذاشت و اغلب کودکان و بخصوص دختران قدم‌های مادران می گذارند.

ل) شرافت خانوادگی

پنجمین ملاک در انتخاب همسر اصالت و شرافت خانوادگی است که باید مورد توجه قرار بگیرد در همین زمینه قرآن کریم می فرماید: «والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه و الذی خبث لایخرج لآنکذا؛ سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار می روید، اما سرزمین‌های بد طینت (و شوره زار) جز گیاه ناچیز و بی ارزش از آن نمی روید». همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «ای مردم از گیاهانی که بر مزبله‌ها می روید اجتناب نمایید، گفته شد: یا رسول الله مقصود شما از گیاه و سبزی که بر مزبله می روید چیست؟ زن زیبایی که در خانواده پست و فرومایه پرورش می یابد».

بنابراین باید در انتخاب همسر بسیار دقت کرد و از خانواده دارای کرامت و شرافت و اصالت همسر را برگزید. در غیر این صورت آثار منفی رشد و تربیت خانوادگی در آینده زندگی مشترک و نسل آینده تأثیر زیادی برجای خواهد گذاشت. پیامبر اسلام فرمودند: «وانظر فی ای نصاب تضع ولدک فان العرق دساس؛ بنگر که فرزند خود را در چه مکانی قرار می دهی زیرا رگ و ریشه در فرزند اثر می گذارد.» و نیز فرمودند: «تزوجوا فی الحجر الصالح، فان العرق دساس؛ با خانواده ای خوب و شایسته وصلت کنید زیرا خون اثر دارد.»

نتیجه گیری

باید برای گزینش همسر ملاک ها و معیارهای منطقی و درستی در دست داشته باشیم بهترین ملاک ها در آیات و قرآن کریم در روایات معصومان علیهم السلام بیان شده است توجه به آنها زمینه ساز ازدواجی سالم و هدفمند است این ملاک از سوی خالق هستی و رسولی الهی و اولیاء الهی بیان شده است. آنان با اسرار هستی آشنایند و بهترین راهنمایان زندگی هستند باید دانست که برخورداری از هر کدام از این ملاک ها نسبی است و وجود تمام ملاک ها در یک فرد تقریباً محال به نظر می رسد.

۱- درنگ نکردن، با آمدن خواستگار هم شأن

روایتی از امام صادق علیه السلام در این زمینه وارد شده است که می فرمایند:

عن الإمام الصادق علیه السلام فی حدیث له عن رسول الله صلی الله علیه و أنه خطب الناس و حثهم علی التعجیل فی تزویج بناتهم وعدم تاخیرهن، الی ان قال :- فقام إليه رجلٌ فقالَ : یا رسولَ الله ، فَمَنْ نُزَوِّجُ ؟ فقالَ : الأکفاء . فقالَ : یا رسولَ الله ، وَمَنِ الأکفاء ؟ فقالَ : المؤمنونَ بعضُهُم أكفاءُ بعضٍ ، المؤمنونَ بعضُهُم أكفاءُ بعضٍ . به نقل از امام صادق علیه السلام : در حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که آن حضرت برای مردم سخنرانی کرد و آنان را به تعجیل در شوهر دادن دختران شان و به تأخیر نیفکندن این کار تشویق نمود . . . پس ، مردی برخاست و گفت : ای پیامبر خدا ! به چه کسانی شوهر دهیم؟ فرمود: به اشخاص همسنگ . گفت : ای پیامبر خدا ! اشخاص همسنگ چه کسانی هستند؟ فرمود: مؤمنان ، همسنگ یکدیگرند . مؤمنان ، همسنگ یکدیگرند . کافی ج ۵ ص ۳۳۷ ح ۲

۲- پرهیز از تعیین مهریه سنگین

رسول الله صلی الله علیه و آله: لا تُغالوا بِمُهورِ النِّساءِ ، فَإِنَّمَا هِيَ سَقِيَا اللّهِ سُبْحَانَهُ . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم: در مهریه های زنان، زیاده روی نکنید؛ چرا که زنان، در واقع، باران خداوند سبحان اند. بحار الأنوار: ج ۱۰۳ ص ۳۵۳ ح ۳۴ جایگاه مهریه در اسلام: در حدیث ذکر شده، تشبیه بلیغ به کار رفته است؛ زیرا زنان را به " باران " تشبیه کرده است که خداوند بر هر کدام از بندگان که بخواید، آن را می باراند ، بدون آن که تلاش و رنج و زحمتی از جانب آنان صورت گیرد. پس هر که خوش بهره باشد، زن سازگار و فرمانبردار و علاقه مند و حافظ آبرو و مالش و زنی که فرزندان رشید به دنیا بیاورد و وجودش سودمند باشد، نصیب او می گردد و اگر خوش بهره نباشد، بر عکس است. به عبارت دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله می خواهد به مردم اعلام می فرماید که: سازگار بودن زن، و عشق و محبت او به شوهر، از زندگی مشترک و خانواده، و به دلخواه شوهران بودن آنان، به خاطر این نیست که مهریه شان را سنگین قرار می دهند؛ بلکه زن همانند بهره و قسمت و روزی است. چه بسا زنانی که مهریه شان اندک است، اما سازگارند و نسبت به شوهرشان با مهر و محبت اند، و بر عکس ، زنانی هستند که عشق و محبت آنان اندک است ، هرچند مهریه شان سنگین و بالاست. پس، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم زنان را به باران خدا تشبیه کرده که به یکی می رسد و یکی از آن محروم می ماند، و در سرزمینی می بارد و در سرزمینی نمی بارد.(۱)

اکنون این سؤال پیش می آید که مرد و زن هر دو از ازدواج و زناشوئی بطور یکسان بهره می گیرند و پیوند زناشوئی پیوندی است بر اساس منافع متقابل طرفین، با این حال چه دلیلی دارد که مرد مبلغ کم یا زیادی به عنوان مهر به زن بپردازد؟ آیا این موضوع به شخصیت زن لطمه نمی زند؟ و شکل خرید و فروش به ازدواج نمی دهد؟ روی همین جهت است که بعضی به شدت با مساله مهر مخالفت می کنند، مخصوصاً معمول نبودن مهر در میان غربی ها برای غرب زده ها به این فکر دامن می زند، در حالی که نه تنها حذف مهر به شخصیت زن نمی افزاید بلکه وضع او را به مخاطره می افکند.

توضیح اینکه درست است که مرد و زن هر دو از زندگی زناشوئی بطور یکسان سود می برند ولی نمی توان انکار کرد که در صورت جدایی زن و مرد، زن متحمل خسارت بیشتری خواهد شد. زیرا اولاً: مرد طبق استعداد خاص بدنی معمولاً در اجتماع نفوذ و تسلط بیشتری دارد، و هر چند بعضی می خواهند به هنگام سخن گفتن این حقیقت روشن را انکار کنند اما وضع زندگی اجتماعی بشر که با چشم می بینیم حتی در جوامع اروپایی که زنان به اصطلاح از آزادی کامل برخوردارند نشان می دهد که ابتکار عمل پر در آمد، بیشتر در دست مردان است. بعلاوه مردان برای انتخاب همسر مجدد امکانات بیشتری دارند ولی زنان بیوه مخصوصاً باگذشت قسمتی از عمر آنها، و از دست رفتن سرمایه ی جوانی و زیبایی، امکاناتشان برای انتخاب همسر جدید کمتر است. با توجه به این جهات، روشن می شود که امکانات و سرمایه ای را که زن با ازدواج از دست می دهد، بیش از امکاناتی است که مرد از دست می دهد و در حقیقت مهر چیزی است به عنوان جبران خسارت برای زن و وسیله ای برای تأمین زندگی آینده ی او از طرفی مساله مهر معمولاً به شکل ترمزی در برابر تمایلات مرد نسبت به جدایی و طلاق محسوب می شود. درست است که مهر از نظر قوانین اسلام با برقرار شدن پیوند ازدواج به ذمه مرد تعلق می گیرد و زن فوراً حق مطالبه ی آن را دارد، ولی چون معمولاً به صورت بدهی بر ذمه ی مرد می ماند، هم اندوخته ای برای آینده ی زن محسوب می شود، و هم پشتوانه ای برای حفظ حقوق او و از هم پاشیدن پیمان زناشوئی (البته این موضوع استثنایی دارد ولی آنچه ذکر شد در غالب موارد صادق است).

اگر بعضی برای مهر تفسیر غلطی کرده اند و آن را یک نوع «بهای زن» پنداشته اند ارتباط به قوانین اسلام ندارد، زیرا در اسلام مهر به هیچ وجه جنبه ی بها و قیمت کالا ندارد و بهترین دلیل آن همان صیغه ی عقد ازدواج است که در آن رسماً مرد و زن به عنوان دو رکن اساسی پیمان ازدواج به حساب آمده اند، و مهر یک چیز اضافی و در حاشیه قرار گرفته است، به همین دلیل اگر در صیغه ی عقد اسمی از مهر نبرند، عقد باطل نیست، در حالی که در خرید و فروش و معاملات، اسمی از قیمت برده نشود مسلماً باطل خواهد بود، (البته باید توجه داشت اگر در عقد ازدواج نامی از مهر برده نشود شوهر موظف است که در صورت آمیزش جنسی، مهرالمثل یعنی مهری همانند زنان که هم طراز او هستند بپردازد) از آنچه ذکر شد نتیجه می گیریم که مهر جنبه جبران خسارت و پشتوانه برای احترام به حقوق زن دارد، نه قیمت و بها و شاید تعبیر به نحله به معنای عطیه در آیه اشاره به این قسمت دارد. (۲)

در کتاب نظام حقوق زن در اسلام در مورد فلسفه مهر آمده ای به عقیده ما پدید آمدن مهر نتیجه تدبیر ماهرانه ای است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها به یکدیگر بکار رفته است.

نوع احساسات زن و مرد نسبت به یکدیگر یک جور نیست، قانون خلقت مجال و غرور و بی نیازی را در جانب زن و نیازمندی و طلب و عشق و تغزل را در جانب مرد قرار داده است. ضعف زن در مقابل نیرومندی بدنی به همین وسیله تعدیل شده است و همین جهت موجب شده که همواره مرد از زن خواستگاری می کرده است. (۳)

(۱) برگرفته از کتاب المجازات النبویة: ص ۱۷۷

(۲) آیت الله ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۳، قم، مدرسه ی الامام امیرالمؤمنین، مطبوعاتی هدف، ص ۲۶۳.

(۳) متفکر شهید استاد مطهری «رحمة الله» نظام حقوقی زن در اسلام. ۲۳۱

۳- انتخاب اوقات عقد:

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: يَوْمُ الْجُمُعَةِ يَوْمٌ خِطْبَةٌ وَنِكَاحٌ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند: روز جمعه، روز خواستگاری و ازدواج کردن است. بحار الأنوار: ج ۱۰۳ ص ۲۷۳ ح ۲۵

۴- ولیمه دادن در عروسی:

قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ : فِي عُرْسٍ أَوْ خُرْسٍ أَوْ عِدَارٍ أَوْ وَكَازٍ أَوْ رِكَازٍ ، فَالْعُرْسُ التَّزْوِيجُ ، وَالْخُرْسُ النِّفَاسُ بِالْوَلَدِ ، وَالْعِدَارُ الْخِتَانُ ، وَالْوِكَازُ الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ ، وَالرِّكَازُ الرَّجُلُ يَقْدَمُ مِنْ مَكَّةَ . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ولیمه دادن (مهمانی کردن)، تنهادر پنج مورد است : در عُرْس، خُرْس، عِدَار، وِکاز و رِکاز. عُرْس : هنگام ازدواج است ؛ خُرْس : زمان تولد فرزند ؛ عِدَار : هنگام ختنه کردن ؛ وِکاز : زمان خرید خانه ؛ رِکاز : موقع بازگشت از مکه.

بحار الأنوار : ج ۱۰۳ ص ۲۷۵ ح ۳۳

مراسم عروسی در اسلام

یکی از آرزوهای هر پدر و مادر آن است که زنده باشند و مراسم عروسی فرزندان خود را ببینند. این مراسم در اسلام نیز وجود دارد و به عنوان ولیمه زفاف آمده است.

پیامبر اسلام می فرمایند: این ازدواج (ها) را آشکار انجام دهید و آنها را در مساجد برگزار کنید.

الف) ولیمه: براین اساس در ازدواج اسلامی ولیمه دادن امری مستحب می باشد آن هم به شرطی که طرفین امکان مادی داشته باشند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دادن ولیمه را در ازدواج از سنن انبیا ذکر کرده و خود در ازدواج خویش آن را مراعات و گروهی را اطعام می نمود. در مورد ولیمه توصیه شده در آن همه گروه ها و به خصوص فقیران را راهی باشد، بدین سان ولیمه ای که در آن فقیران نیستند، نهی شده است. و نیز سفارش شده که ولیمه را در روز و هنگام ظهر بدهند. در روایات اسلامی حتی از دفعات ولیمه نیز بحث شده است.

پیامبراسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: دعوت روز اول (در عروسی) به حق است و دعوت روز دوم احسان و نیکی است و دعوت روز سوم خودنمایی و شهرت طلبی.

آثار و فایده های ولیمه عروسی: ولیمه درحقیقت نوعی مشارکت اقوام و آشنایان در امر ازدواج دو جوان است، و دارای آثار و فوایدی است که برخی از آنان عبارتند از:

- ۱) آگاهی و شهادت مردم در امر ازدواج زوجین؛ (این امر در شهرت نسل به طهارت و پاکی، فوق العاده مؤثر است).
- ۲) پذیرفتن زوجین در ورود به جامعه اسلامی و قبول آنها به عنوان اعضای فعال و اساسی جامعه؛
- ۳) شرکت در یک مجلس شادمانی دسته جمعی مشروع و بسیار نشاط انگیز؛
- ۴) تشویق دیگر جوانان به امرمقدس ازدواج وتشکیل خانواده.
- ۵) حل و رفع بعضی ناراحتی‌ها، برخوردها، اختلافات کم و بیش ریشه دار در بعضی خانواده ها؛
- ۶) کسب دعای خیرهمه، خصوصاً محرومین و فقرا در ابتدای راه دو زوج جوان جهت تداوم پیوند مبارکشان و رفع بلاها و گرفتاری ها از زندگی دو زوج جوان؛
- ۷) کمک به حل مشکلات تشکیل خانواده جدید.

آفت و مشکلات ولیمه عروسی

همانطور که گفته شد یکی از سنت های نیکو و پسندیده ی اسلامی که بر آن سفارش و تأکید شده است، ولیمه دادن و اطعام دیگران است و فایده های آن نیز بیان شد. ولیمه امری مستحب می باشد و اگر چنانچه برای کسی چنین امری مقدور نبود و خواست که با قرض و سختی آن را تهیه نماید، دیگر، استحباب از آن برداشته می شود.

اما متأسفانه امروزه ولیمه دادن ها که اصولاً به صورت جشن برگزار می گردد، نه تنها اطعام به فقرا و مساکین نیست، بلکه کسانی مورد دعوت قرار می گیرند که غالباً افرادی متمول و متمکن هستند و نیازی به این غذاها ندارند و اگر فقیری هم باشد، شاید به صورت ناچاری و چون فامیل بوده به مراسم ولیمه فراخوانده شده است. در اینباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «بد ولیمه ای است ولیمه ی عروسی، در آن ثروتمندان را اطعام می کنند و از مستمندان جلوگیری می نمایند».

البته باید توجه داشت که پیامبراسلام صلی الله علیه و آله و سلم اشاره به بعضی از عروسی ها و جشن های پرخرج و تجملاتی می نمایند که فقط به خاطر رقابت چشم و هم چشمی صورت می گیرند.

ولی مشکل از زمانی شروع می شود که این مراسم مفید و با ارزش و شادی آفرین، با تجمل پرستی، انواع هوا و هوسها، ولخرجی ها، بی بند و باریها، اسراف و تبذیرها، و انواع و اقسام گناهان آلوده شود که نتیجه ای کاملاً معکوس خواهد داد. جشن ولیمه در خانواده های تجمل گرا، نه تنها مصیبتی برای پدر و مادر عروس و داماد است، بلکه شبی پر زحمت برای تمام دعوت شدگان است، چه این که روز یا شب مسابقه ی تجمل و خودآرایی، و به رخ کشیدن لباس های گرانبیامت و جواهرات رنگارنگ است. بسیاری از زنان، از هفته ها و ماه ها قبل، خود را برای نمایش ثروت در این مراسم آماده می کنند و لباس های مدل جدید و جواهرات مختلف با اشکال گوناگون سفارش می دهند. و از آنجا که در میدان مسابقه،

هرکس تلاش می کند از رقبا عقب نیفتد، باید هر کدام هزینه ی زیاد و طاقت فرسایی را متحمل شوند، چه بسا همین مسائل باعث اختلافاتی میان آنها و شوهرانشان گردد و نق زدن شروع شود که چرا در این زمینه ولخرجی لازم را نکرده اند، تا از رقیبان عقب نمانند، و آبرویشان در میان جمع نرود!

قطعاً چنین محیطی که پر از گناه و معصیت است، و اصلاً یاد خدا و پاکی و تقوا در آن مجلس نیست و فقط هزینه های کمرشکن، همراه با انواع آلودگی ها و فاسدی که خدا را به خشم می آورد، خوشبختی زوج در آن معنا و مفهومی ندارد، و اثرات شوم خود را خواهد بخشید و آثار سوء آن در روح دو زوج جوان تا سالیان دراز باقی می ماند و چنین ازدواجی قرین سعادت و خوشبختی نخواهد بود.

موارد دیگری که اساساً در این گونه ولیمه دادن ها و جشن های عروسی پیدا می شود، از جمله اختلاط زن و مرد یا لااقل برخورد مداوم بین نامحرم به عنوان گرفتن و دادن شیرینی و چای و امثال آن نیز گناهی بزرگ و ناشی از ضعف حیا و عفت در زنان و دختران و بی غیرتی در مردان و پسران است و ننگی آشکار بر مسلمانان و جامعه ی اسلامی و فرقی نمی کند که این گونه مراسم در تالار و سالن های عمومی باشد و یا در خانه و اماکن خصوصی برگزار گردد.

به هر صورت، قرار دادن ولیمه و استحباب آن برای برکت دادن و مبارکی عروسی و سیر نمودن فقیر و رفع بلا... است، اما به نظرمی رسد که در بعضی از ولیمه و جشنها امروزی هیچکدام از این مقاصد برآورده نمی شود، بلکه اسراف و تبذیرهای بی حد و حسابی می شود که انسان از شنیدن آمار و ارقام آن به تعجب می افتد و تحیر می ماند. ما که خود را پیرو آیینی می دانیم که کتاب مقدس آن قرآن مجید است ما را از اسراف و تبذیر نهی می کند و می فرماید:

« و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد. » (اعراف / ۳۱)

و در جای دیگر با صراحت تمام، تبذیرکنندگان را برادر شیطان و رانده شدگان از درگاه الهی معرفی می فرماید:

« چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیطانند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود. » (اسراء/ ۲۷)

ولیمه دادن و جشن گرفتن به این سبک و روش، سنت و سیره ی غلط و موهومی را در جامعه مطرح می سازد و جوانان دیگر که توان زیر بار مسئولیت ازدواج و تشکیل خانواده شانه خالی می کنند و تن به این سنت مؤکده رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نمی دهند، زیرا پسر می بیند که خانواده ی عروس، یا خود دختر، معتقدند که باید جشن عروسی را در فلان تالار چند ستاره، با پذیرایی چنین و چنان و خدای ناکرده، همراه با مسائل گناه و معصیت گرفت و او که از جیب خود خبر دارد، و از گناه می ترسد، از خیر ازدواج می گذرد و این انصراف همان و دامن زدن به مسائل فتنه و فساد همان.